

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

## تحلیل، ترجمه و شرح بخش اول دیوان ابوالفتح بستی

استاد راهنما:

دکتر محمد شیخ

استاد مشاور:

دکتر رضا رضایی

تحقیق و نگارش:

محمد کیخا

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

تیرماه ۱۳۹۳



### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محمد کیخا تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد کیخا

امضاء

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان   |
|------|---|
| ۱    | فصل اول: کلیات و تعاریف .....                   |
| ۲    | مقدمه .....                                     |
| ۲    | طرح تحقیق .....                                 |
| ۲    | تعریف مسأله .....                               |
| ۳    | اهمیت موضوع .....                               |
| ۳    | ضرورت انجام تحقیق .....                         |
| ۴    | سؤال‌های اصلی تحقیق .....                       |
| ۴    | فرضیه‌ها .....                                  |
| ۴    | اهداف تحقیق .....                               |
| ۵    | روش تحقیق .....                                 |
| ۵    | پیشینه تحقیق .....                              |
| ۶    | تحقیق دیوان و نسخه‌های استفاده شده در آن .....  |
| ۶    | نسخه‌ی اول: مکتبة الظاهرية دمشق .....           |
| ۶    | نسخه‌ی دوم: احمد الثالث .....                   |
| ۷    | نسخه‌ی سوم: دانشگاه برنستون امریکا .....        |
| ۸    | فصل دوم: معرفی شاعر، اغراض و فنون شعری او ..... |
| ۹    | آشنایی اجمالی ابوالفتح بستی .....               |
| ۹    | مولد، نَسَب و وفات بُستی .....                  |
| ۱۰   | اغراض و فنون شعری بُستی .....                   |
| ۱۰   | شاعر مدح .....                                  |
| ۱۳   | شاعر فخر .....                                  |
| ۱۴   | شاعر غزل .....                                  |
| ۱۵   | شاعر هجاء .....                                 |
| ۱۶   | شاعر رثاء .....                                 |
| ۱۷   | مذهب و نظریات دینی بُستی .....                  |

|    |  |
|----|--|
| ۱۸ | ..... نمونه‌هایی از مضامین مشترک شعری بین بستی و دیگر شاعران |
| ۲۴ | ..... ادیبان و ناقدان هم‌عصر بُستی                           |
| ۲۵ | ..... بستی و صنایع لفظی و معنوی                              |
| ۲۵ | ..... بستی و صنایع بدیعی                                     |
| ۲۵ | ..... ۱- صنعت تضاد   |
| ۲۶ | ..... ۲- مراعات‌النظیر                                       |
| ۲۶ | ..... ۳- حسن‌التعلیل   |
| ۲۶ | ..... ۴- صنعت‌الجمع  |
| ۲۷ | ..... ۵- تفریق   |
| ۲۸ | ..... ۶- صنعت استتباع  |
| ۲۸ | ..... ۷- رد العجز علی‌الصدر                                  |
| ۲۹ | ..... ۸- صنعت تلمیح  |
| ۲۹ | ..... ۹- تشابه‌الاطراف معنوی                                 |
| ۳۰ | ..... فصل سوم: تحلیل و ترجمه ابیات                           |
| ۳۱ | ..... قافیه الهمزه   |
| ۳۶ | ..... قافیه الباء  |
| ۵۹ | ..... قافیه التاء  |
| ۶۶ | ..... قافیه الثاء  |
| ۶۷ | ..... قافیه الجیم  |
| ۷۳ | ..... قافیه الحاء  |
| ۷۶ | ..... قافیه الخاء  |
| ۷۸ | ..... قوافی و تعداد ابیات                                    |
| ۸۴ | ..... نمودارها   |
| ۸۵ | ..... نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی دیوان                       |
| ۹۳ | ..... فهرست منابع و مأخذ                                     |

## چکیده

شعر و ادب عربی یکی از غنی‌ترین و گرانبهارترین گنجینه‌های ادبیات جهان است که در زمینه‌های مختلف مانند حکمت و موعظه و اخلاق و روی هم رفته هر آنچه در ارتباط با زمینه‌های معنوی و فطری انسان‌ها می‌شد، آثار گرانسنگی را به جامعه‌ی ادبی دنیا معرفی کرده است. تألیفات و آثار گوناگون در زمینه‌های یاد شده، خود گویای این واقعیت است که نه تنها پیشگامان گذشته‌ی ایران‌زمین حق مطلب را به‌خوبی ادا کرده‌اند، بلکه خردمندان و فرزندان امروز ادبیات نیز، در جهت معرفی این آثار به مشتاقان ادب، از هیچ کوششی فروگذاری نکرده‌اند و بدین سبب است که این تحقیق به تحلیل و بررسی مجدد همین آثار اندیشمندان کهن، که به زبان عربی نگاشته شده‌اند، می‌پردازد. زیرا که متأسفانه فاصله‌ای عمیق بین این فرهنگ عظیم کهن عربی و فرهنگ امروزی و معاصر افتاده است. چه دلایل آن فرهنگی و اجتماعی باشد و چه سیاسی؛ باعث شده که به این مقوله از ادبیات و شاعران پارسی‌عربی‌گوی و عربی‌سرای پرداخته شود. بزرگانی که پای به پای ادیبان وطن، اگر چه نه از جهت مقدار به پیش رفته‌اند، اما آثار گران‌باری به بشریت معرفی کرده‌اند. این تحقیق، به بررسی ابوالفتح بستی، یکی از حکیمان متعهد ادب خراسان و دربار غزنوی و نویسنده‌ی مخصوص و مورد وثوق سبکتکین و پسرش محمود می‌پردازد. در این تحقیق دیوان مورد تحلیل قرار گرفته و اسلوب و شیوه تعبیر وی از معانی و مفاهیم در موضوعاتی همچون مدح، غزل، هجو، حکمت و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ابوالفتح بستی، مشاهیر ادب عربی، سیستان، تحلیل اشعار، ادب عباسی

## فصل اول

### کلیات و تعاریف

## مقدمه:

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های ادبی ایران دوره غزنویان است، دوره‌ای که شاهباز ادب بر قله فصاحت و بلاغت به پرواز آمد و فکر استوار شعرای عرب با اندیشه پارسی گویان شیرین‌نغز گفتار، بهم آمیخت و شاهکارهای ادبی فراوانی بوجود آورد که تاریخ ادبیات جهان را زیب و زیور گشت.

شاعران بلند پایه‌ای چون فردوسی کاخ رفیع شعر را بنیان نهادند کاخی که خسروان ادب در طی روزگار در آن غنودند و نیکوترین اشعار و گفته‌های خود به جهانیان عرضه داشتند. ادبای ایرانی از ادب عرب حظی وافر و نصیبی کامل داشتند و چنان اشعار زیبا و گفته‌های دل‌کش به زبان عربی از خود به یادگار نهادند که قرن‌ها ادبای تازی و پارسی با خواندن آن‌ها انگشت شگفتی به دندان گزیدند و از لطائف و زیبایی‌های آن آثار جلیل‌القدر بهره‌ور گشتند.

یکی از ستارگان تابان ادب غزنوی شیخ حکیم ابوالفتح بستی آن سخنور و ادیب هنرور و شاعر ذواللسانین است. که اشعار بلند او ستاره ای تابناک بر تارک کتب ادبی فارسی و عربی می درخشد و امثال و حکم و پیوند اشعارش با قرآن و حدیث و فرهنگ یونانی، هندی و عربی رونق فضای بازار ادیبان و حکیمان است. این سخنور با ذوق شگفت‌آور خود الفاظ زیبا را با معانی بلند بهم آمیخته است و هر بیت شعرش گوهری است بر تارک عقل افراشته و بر گوش ادب آویخته است. در این پژوهش ابتدا طرح تحقیق شامل: تعریف مسأله، اهمیت موضوع، ضرورت انجام تحقیق، سؤال‌های اصلی، فرضیه‌ها، روش و پیشینه‌ی تحقیق بیان شده است.

در فصل اول به بررسی کلیات، شامل: مولد و نسب و وفات بستی، اغراض شعری، مضامین مشترک شعری بستی در شعر فارسی، دوستان بستی، صنایع بدیعی، پرداخته شده است و در فصل دوم شرح و ترجمه و نقد ادبیات دیوان، بررسی سه نسخه خطی، ادبیات متفرقه در سایر منابع ادبی، جدول و نمودار و نمونه‌هایی از نسخ خطی و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آمده است.

## طرح تحقیق

### تعریف مسأله

ادبیات هر قوم نشان‌دهنده‌ی رسوم، عقاید و افکار آن قوم است. شعر که به‌عنوان مهم‌ترین جزء ادبیات شمرده می‌شود به مانند آئینه‌ای درخشانی، زندگی و محیط سراینده‌اش را به‌خوبی بازتاب دهد.



در عصر عباسی، بازار شعر و ادب بسیار گرم بود. شاعران با توانایی شگفت‌انگیزی که داشتند، آثارشان را در معرض شنود علاقمندان قرار می‌دادند. در این میان بودند افرادی که به خاطر عوامل مختلف گمنام باقی ماندند. از این میان یکی از مشاهیر و شاعران معروف، در آغاز حکومت غزنویان در اواخر قرن چهارم هجری، حکیم بلخ ابوالفتح بستی می‌باشد که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود.

بعد از غلبه ناصرالدین سبکتکین بر بایتوز، بستی به دبیری دیوان سبکتکین منصوب شد و تا اوایل سلطنت محمود غزنوی بر شغل دبیری دیوان باقی بود. از نتایج طبع این شاعر امدار می‌توان به دو دیوان به زبان‌های پارسی و عربی اشاره کرد. از ابیات فارسی او تنها چهار بیت در کتاب لب‌الباب محمد عوفی نقل شده است و بقیه‌ی اشعار فارسی او از بین رفته است ولی اشعار عربی او در دست می‌باشد و بر آن شدیم تا دیوان عربی او را برای استفاده بیشتر فارسی‌زبانان و دوست‌داران فرهنگ پارسی و البته دانشجویان، مورد نقد، بررسی، ترجمه و شرح قرار دهیم.

## اهمیت موضوع

اهمیت شعر و ادب در میان مردم جامعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تحلیل و بررسی موضوعات شعری برای اقشار دوست‌دار ادبیات، می‌تواند زمینه‌ساز شناخت موضوع‌های مختلف گردد.

تشویق حاکمان و خلفای عباسی از یک‌سو و جوّ سیاسی حاکم از سوی دیگر، باعث گردید که آثار گران‌سنگی در زمینه‌های حکمت، اخلاق و ... به‌وجود آید.

شناخت دقیق تر این آثار ارزشمند ما را به عمق تأثیرگذاری موضوع‌های یاد شده بر روح و جان جامعه‌ی عربی آشنا می‌گرداند.

## ضرورت انجام تحقیق

با ورود دین مبین اسلام به ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان نوعی تبادل فرهنگی وسیع میان دو زبان فارسی و عربی صورت پذیرفت و تأثیر و تأثر عمیقی که تا قرن‌ها ادامه یافت، به‌وقوع پیوست.

اگر چه بر کسی پوشیده نیست که تأثیر پارسیان از اعراب بسی بیش از تأثیر اعراب بود. اما در این میان بودند شاعران و نویسندگان ایرانی که فرهنگ وسیع و غنی ایرانیان را به رخ اعراب کشیدند، اما با وجود این که

تحقیقات فراوانی پیرامون شاعران و نویسندگان ایرانی در ادبیات عرب شده است، به نظر می‌رسد برخی از شاعران و نویسندگان مورد غفلت و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، از آن جمله است شاعر سیستانی قرن چهارم هجری ابوالفتح بستی که حتی تا به حال دیوان او به فارسی ترجمه نشده است و نزد پارسیان نیز گمنام و مورد نوعی مظلومیت قرار گرفته است.

### سؤال‌های اصلی تحقیق

- ۱- مضامین شعری بستی چگونه به نظر می‌رسد؟
- ۲- اسلوب شعری بستی چگونه است؟
- ۳- کدام روش ترجمه برای این کار مناسب است؟
- ۴- چه نکاتی بلاغی در شعر بستی به کار رفته است؟
- ۵- آیا نیاز به شرح فارسی و عربی ابیات و کلمات وجود دارد؟

### فرضیه‌ها

- ۱- بستی در کاربرد صنایع بدیعی و تجنیس چیره‌دست بوده است.
- ۲- بستی اسلوب حکمی در شعرش دارد و امثال و حکم را زیاد استفاده نموده است.
- ۳- به نظر می‌رسد تلفیقی از شیوه‌ی نقل به مضمون به همراه شرح عربی و ترجمه کلمات غریب، مناسب باشد.
- ۴- به نظر می‌رسد بستی در به‌کار بردن اکثر شیوه‌های بلاغی خصوصاً جناس توانا باشد.
- ۵- به نظر می‌رسد جهت استفاده دانشجویان و محققین شرح فارسی ابیات و کلمات مناسب باشد.

### اهداف تحقیق

- ۱- این پژوهش در راستای تأثیر و تأثر دو ادبیات فارسی و عربی می‌باشد.
- ۲- شناخت آن دسته ادیبانی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، مخصوصاً شاعر خطه‌ی سیستان بستی.

- ۳- بیان این موضوع که ادبیات سیری است پویا و تأثیرگذار و تأثیرپذیر، در جهت نزدیکی فرهنگ‌ها و ملل.
- ۴- بیان نقش ادبیات در پیشبرد اهداف جامعه.

### روش تحقیق

در این پایان‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری در آن استفاده شده است. به این منظور، منابع مربوط به موضوع بحث، شناسایی و به روش فیش‌برداری، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. آن‌گاه مطالب بر حسب موضوع مرتب گردید.

اساس کار در این تحقیق، مبتنی بر شناخت شاعر و ترجمه و شرح اشعار او می‌باشد؛ زیرا که آسان‌ترین و مطمئن‌ترین منبع شناخت عقاید و جنبه‌های مختلف اغراض و فنون شعری هر شاعر است. در مباحث نتیجه‌گیری، سعی شده با دقت نظر عمل شود و از داوری شخصی و مغرضانه پرهیز گردد.

### پیشینه‌ی تحقیق

در مورد این شاعر به صورت جداگانه پژوهش‌های زیادی انجام شده است و تحقیق حاضر در باب ترجمه و شرح و تحقیق ابیات در نوع خود تازه و نوین است. از مهمترین پیشینه‌ی این تحقیق، جدا از کتاب‌های بزرگ ادبی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- مرسی الخولی، محمد، (۱۹۸۲)، ابوالفتح بستی حیاته و شعره، بیروت: دارالاندلس (پایان‌نامه ارشد)
- ۲- انوار، امیرمحمود، (۱۳۸۴) بستی و امثال و حکم در دیوان، دانشگاه تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۳- بستی، ابوالفتح، (۱۴۱۰) دیوان ابی‌الفتح البستی، تحقیق: دریه الخطیب و لطفی الصقال، دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربیه
- ۴- انوار، امیرمحمود، (۱۳۵۲) شرح حال و بررسی سبک شاعری و نویسندگی ابوالفتح بستی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (رساله دکتری)
- ۵- بستی، ابوالفتح، (۱۳۸۹) جلوه‌های پایداری در کلام حکیم ابوالفتح بستی، مجله لسان مبین دانشگاه مشهد، شماره یک، دوره جدید.

## تحقیق دیوان و نسخه‌های استفاده شده در آن

بعد از تحقیق و تفحص به کتاب «تاریخ الادب العربی» نوشته «کارل بروکلمان» به نسخه‌های خطی مراجعه شد و در آن برای دیوان بستی دو نسخه ذکر شده است. که اولی در مکتبه‌الظاهرية دمشق و دیگری در مکتبه احمدالثالث در استانبول می‌باشد.

نسخه اول: «مکتبه‌الظاهرية دمشق»

در واقع نسخه خطی نیست بلکه در سال ۱۲۹۴ هـ در بیروت در چاپخانه «جميعة الفنون» توسط ابراهیم بن علی الاحدب الطرابلسی به چاپ رسیده است، مصحح دیوان بستی گفته که نهایت دقت و توجه را در تصحیح دیوان نموده، ولی از نظر اعراب و رسم الخط بسیار نقص دارد و گویی که مصحح به علم اعراب آشنایی نداشته است و البته آنچه نباید از نظر دور داشت آن است که ابراهیم بن علی الحدب مصحح دیوان، بنای کار خود را بر نسخه‌ای گذاشته که از روی نسخه احمد الثالث در استانبول نوشته شده است و در برخی موارد ترتیب اشعار را نیز رعایت نکرده، مثلاً در صفحات آخر دیوان المطبوعه ابیات قافیه‌ی میم را در ضمن ابیات با قافیه‌ی نون آورده است و دیگر این که در آخر دیوان المطبوعه اسم ناسخ و منسوخ ذکر نشده است که نگارنده این نوشتار در نسخه خود تمام این موارد را برطرف نموده است. دیوان المطبوعه چاپ بیروت ۸۴ صفحه دارد و در هر صفحه حدود ۱۰ تا ۱۵ بیت آورده و ابیات کل این دیوان ۱۳۶ بیت می‌باشد که ۲۰۷ بیت کمتر از نسخه خطی می‌باشد. (الصقال، ۱۴۱۰: ۹-۸)

نسخه‌ی دوم: «احمد الثالث»

نسخه اصلی‌تر که در واقع نسخه مادر به حساب می‌آید، نسخه‌ی «احمد الثالث» در استانبول می‌باشد، این دیوان ۷۵ صفحه دارد و در هر صفحه حدود ۱۰ تا ۱۳ بیت موجود است که با خط زیبای احمد بن علی مشهور به ابن‌الجزار در سال ۸۰۵ هـ نوشته شده است، او در آخرش یادآور شده است که این نسخه از روی نسخه اصلی نوشته شده است و این نسخه مانند نسخه المطبوعه دچار اشتباهات اعراب و رسم الخط می‌باشد (همانجا).

نسخه سوم: «دانشگاه برنستون امریکا»

نسخه سومی برای دیوان یافت شد که در کتاب «بروکلمان» به آن اشاره نشده است و آن نسخه دانشگاه برنستون امریکا می‌باشد که در تمام موارد با نسخه المطبوعه بیروت همخوانی دارد مگر در برخی کلمات که ناشر موفق به خواندن آنها نشده، یا اشتباهات چاپی که در حین چاپ نسخه بوجود آمده است. و در پایان نتیجه تحقیق در نسخه‌ها این‌گونه شد:

۱- نسخه‌ی احمد الثالث که از نسخه‌های دیگر حائز اهمیت بیشتری است.

۲- نسخه المطبوعه یا نسخه‌ی دانشگاه برنستون امریکا.

## فصل دوم

معرفی شاعر، اغراض و فنون شعری او

## آشنایی اجمالی ابوالفتح بستی

### مولد، نسب و وفات بستی

نظام‌الدین ابوالفتح علی بن محمد<sup>۱</sup> بستی شاعر و مترسل ایرانی‌الاصل است. که به دو زبان فارسی و عربی تکلم می‌کرده است، و همه‌ی زندگی او در قرن چهارم هجری سپری شد. او در سال ۳۳۵هـ در بُست<sup>۲</sup> سیستان<sup>۳</sup> متولد شد و در همان جا فقه شافعی، حدیث و ادبیات را فرا گرفت. در حدیث شاگرد «ابوحاتم محمدبن حبان»<sup>۴</sup> بود. اما از آن جا که به تصدیق رأی ابوحنیفه و اندیشه‌های «محمدبن کرام» پرداخته است. او را در فقه پیرو ابوحنیفه و در اصول دنبالرو «کرامیه» دانسته‌اند. (صفا، ۱۳۶۳، ذیل ماده بُستی) ابوالفتح در آغاز سمت دبیری بایتوزامیری بُست را داشت، اما با قدرت گرفتن ناصرالدین سبکتکین بر بُست در سال (۳۶۷هـ) بایتوز متواری شد و بستی به درخواست سبکتکین عهده‌دار دیوان رسائل گشت و تا اوایل سلطنت محمود غزنوی همچنان در سمت خود باقی بود تا در آخر مورد بی‌مهری سلطان محمود غزنوی قرار گرفت و به دیار تُرک (ماوراءالنهر) تبعید شد. وفاتش را در سال ۴۰۰ یا ۴۰۱ می‌دانند که غریبانه در شهر بخارا درگذشت. همچنین برخی سال وفات او را به سال ۴۰۳هـ می‌دانند. (هدایت ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۵۰) می‌توان گفت برخی منابع وفات بُستی را در اوزکند (نزدیک بخارا) می‌دانند. (زرکلی، ج ۴: ۳۲۶)

بُستی با ابونصر عتبی صاحب تاریخ یمنی، دوستی و رفاقت تمام داشت و در کنار او مشغول دبیری دیوان بود، چنان‌که عتبی از اشعار و نادره‌های بستی شواهد مثال در کتابش آورده است. هم‌چنین عتبی مرثیه‌ای را که بستی در واقعه‌ی وفات «صاحب کافی» اسماعیل بن عباد سروده، آنرا در شمار مرثیه‌های مشهور آن عصر در تاریخ خود نقل کرده است.

۱. ابن خلکان صاحب کتاب وفيات‌الأعیان می‌گوید من این را (اسم محمد را) در اول دیوانش ندیده‌ام. (وفیات‌الأعیان، ج ۳: ۶۰)

و حاکم نیشابوری از سَمَعانی نقل می‌کند که اسم پدرش «احمد» می‌باشد و در اسم جدش اختلاف کرده‌اند که گفته شده «حسین یا حسن» ولی حسن درست‌تر است. (السبکی، الحلبي، ج ۵: ۲۹۳)

۲. شهری کهن نزدیک ملتقای رودهای هیرمند و اَرغنداب که امروزه ویرانه‌های آن مجاور شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند در جنوب غربی افغانستان باقی مانده است و به واسطه وجود ویرانه‌های قلعه نظامی در آن، به نام قلعه بُست معروف است. کاوش‌های باستانی در این شهر مؤید آن است که این شهر به‌طور متوالی از روزگار هخامنشیان تا ساسانیان، شهری آباد و از زیست‌گاه‌های عمده سیستان بوده است. (صفا، ایرنیکا، ج ۷: ۳۸۴)

۳. محمدبن حبان بن احمد بن تمیمی بُستی (سیستانی) مشهور به «ابن حبان» محدث و فقیه، قاضی و لغوی شافعی مذهب سده‌ی چهارم هجری است. تاریخ تولد او را به دقت نمی‌دانیم اما برخی سال (۲۷۰ق) را ذکر کرده‌اند. (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۰۶)

ابوالفتح بستی در علم و شعر و کتابت و فضل، یگانه روزگارش بوده و در مورد او کسانی مانند «عوفی» و «ابن خلکان» صحبت کرده‌اند و بستی را از برگزیدگان و نخبگان شهر بُست که با تلاش سبکتکین روی داده است، می‌دانند. (عوفی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۶۵-۶۴)، (ابن خلکان، ۱۹۶۹، ج ۵: ۱۷۶).

### «اغراض و فنون شعری بُستی»

در نگاه اول به دیوان بستی متوجه می‌شویم که اکثر اشعار او دو بیتی یا قطعاتی است که غالباً ابیات آن از ۱۰ بیت تجاوز نمی‌کند و دیگر این که او قصیده بلند نسروده و تنها شعر بلند او قصیده نونیه‌ی اوست که جهت پند و اندرز سروده شده است. دلیل آن را شاید این‌گونه می‌توان بیان داشت که، ذات بدیهه‌سرای‌ی که در بیشتر اشعار او دیده می‌شود، مجال پرداخت قصیده به او نمی‌دهد و دیگر این که او برای پاداش و صله نیازی نمی‌بیند که به کراحت شعر بسراید.

بستی همانند دیگر شعرا در ابواب مدح، غزل، فخر، هجاء، وصف و اخوانیات طبع‌آزمایی کرده و الحاق که در بیشتر آن‌ها موفق و سربلند بیرون آمده که در بحث از هر موضوع بدان اشاره خواهد شد.

### شاعر مدح

بستی هم مانند دیگر شعرا در باب مدح، اشعاری سروده که ثابت می‌کند او مدح را برای تکسب قرار نمی‌دهد و شعر را برای صله و پاداش نمی‌سراید، شاید گفته شود که او در مدح حتی از آوردن اسم ممدوح نیز باکی ندارد که در پاسخ باید گفت که او بعد از فتح بُست می‌توانست با شعری در مدح سبکتکین دلش را به‌دست بیاورد و صله و جایزه‌ای بگیرد ولی نه تنها شعری نسروده، بلکه مدتی از کارش برکنار ماند که این موضوع مؤید سخن ماست و باز دلیلی دیگر این که، عُتبی صاحب کتاب «تاریخ یمینی» چون از «خلف‌بن احمد والی سیستان» سخن می‌گوید از قول بُستی نکته‌ای می‌آورد که دلیل این ادعا خواهد بود. او می‌گوید که: «... شیخ ابوالفتح بستی با من حکایت کرد که مرا به وقتی سه بیت در مدح خل‌بن احمد افتاد و در نیت نبود که به حضرت او تبلیغ کنم اما در آفواه فتاد و به زبان روایت بدو رسید. ناگاه روزی معتمدی از او در پیش من آمده صّره سبکتکین دینار به صلت این ابیات به من داد و بر سر آن از زبان امیر خلف عذرها خواست ...» (انوار، تهران: ۳۵۲)



بستی اسم ممدوحین خود را در شعر آورده و مهم‌ترین کسانی که بستی از آن‌ها در شعر خود یاد کرده است، به اختصار بیان می‌شود. مشهورترین ممدوح بستی ناصرالدین سبکتکین امیر غزنوی است که بستی به او ارادتی خاص دارد چرا که هم او بستی را به مقامات بالا کشید و به دبیری دیوان منصوب کرد.

ممدوح دیگر بستی سیف‌الدوله محمود غزنوی است که درباره‌ی او می‌گوید:

بسيف الدولة إتسقت أمور  
سما و حمى بنى سام و حام  
رأيناها مبدّده النظام  
فليس كمثلها سام و حام

(بستی، ۷۱:۱۲۹۴)

ترجمه ابیات:

امور نظام، که ما شاهد به هم ریختگی و بی‌سامانی آن بودیم، با دستان سیف‌الدوله (محمود) به سامان رسید. او فرزندان سام و حام (سفید و سیاه) را به بزرگی رسانید. پس هیچ بزرگ‌مرتبه و پشتیبانی چون او یافت نشود.

ممدوح دیگر بستی امیر ابونصر احمد بن علی‌المیکانی است که از بزرگان و نام‌آوران عهدش می‌باشد و بستی درباره‌اش چنین می‌سراید:

جمع الله فى الأمير أبى نصر  
خصالاً تعلقو بها الأقدار

(ثعالبی، ۱۹۴۷، ج ۳۱۹:۴)

ترجمه بیت:

خداوند در امیر ابی‌نصر خصائلی جمع کرده که قدر و منزلت او را بالا می‌برد.

ممدوح دیگر وی خلف بن احمد والی سیستان می‌باشد که از آن سخن رانیدیم و بستی ارادت خاص به او داشت. بستی قصیده‌ای بالغ بر هفده بیت در مدح خلف بن احمد سروده، که تمامی قصیده با مطلع زیر در تاریخ یمینی آمده است؛ آنجا که می‌گوید: (این قصیده در دیوان خطی و المطبوعه بیروت نیامده است)

من كان يبغى علو الذكر و الشرفا  
خصالاً تعلقو بها الأقدار

(ناصری، دارالفکر، ج ۱۸۷:۴)

و نیز در مدح و ستایش سید ابوجعفر محمد بن موسی بن احمد بن ابوالقاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم چنین سروده است:

أنا للسيد الشريف غلام  
وإذا كنت للشريف غلاماً  
حيثما كان فليبلغ سلامي  
فأنا الحر والزمان غلامی

(بستی، ۷۲: ۱۲۹۴)

ترجمه ابیات:

من غلام سید بزرگوار و شریف هستم، هر کجا باشد و اگر در برابر این بزرگوار برده و بنده گشته‌ام، پس بنابراین آزاده واقعی منم و روزگار برده و غلام من. (ادب بر شأن انسان می‌افزاید)

و در ستایش قلبوس وشمگیر گوید:

لا تعصين شمس العلي قابوسا  
و من عصى القابوس لا تي بؤسا

(همان: ۴۳)

ترجمه بیت:

خورشید بزرگواری از قابوس بن وشمگیر هرگز سرکشی نکند و هر کس از قابوس نافرمانی کند به درد و مصیبت دچار شود.

هم‌چنین در ستایش و مدح "آل فریغون" که والیان مملکت جوزجان بوده‌اند گوید:

بنو فریغون قوم فی وجوههم  
نور الهدی و سناء السؤدد العالی

...

(همان: ۶۶)

ترجمه بیت:

آل فریغون قومی هستند که در چهره‌شان پرتو هدایت و نور بزرگی نمایان است.

غیر از ممدوحین نامدار که ذکرشان رفت، بستی را ممدوحین دیگر نیز هست که از لحاظ موقعیت و شهرت به ممدوحین فوق‌الذکر نمی‌رسند و کسانی دیگر که نام آن‌ها در دیوان آمده ولی به‌خاطر اختصار مبحث از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

### شاعر فخر

می‌توان گفت عصر بستی دوران عظمت و شکوه دولت غزنوی است. نام‌آوران دلیر ایرانی در سپاه سبکتکین و محمود غزنوی میدان فخر و مباهات را برای سخن‌پردازانی همچون منوچهری دامغانی، فرخی عنصری و فردوسی هموار کرده بودند. از این جهت بستی نیز خود را در مقابل همچون شکرشکنانی بی‌کار نمی‌دید و پای به میدان می‌نهد و تا حدود زیادی از عهده برابری برمی‌آید، آنجا که می‌گوید:

إِنَّ اسِيافَنَا الْعَضَابَ الدَّوَامِي  
لَمْ نَزَلْ نَحْنُ فِي سَمَاءِ ثَغُورِ  
صَيَّرَتْ مَلِكَنَا قَرِينَ الدَّوَامِ  
وَ اسْتَلَابَ الْبَاطِلُ فِي وَسْطِ لَامِ

(أنوار، تهران: ۳۵۱)

ترجمه ابیات:

شمشیرهای بران همواره ضامن بقا ملک و پادشاهی‌مان هستند و حتی در آسمان‌ها برای ما حد و مرزی وجود ندارد و قهرمانان ما در دل آسمان‌ها می‌درخشند.

ظاهراً باید گفت که فخریات بستی دو گونه است اول این که فخر به عصامی بودن خود نه عظامی بودن و دیگر فخر به دولتی که در آن دولت نشو و نما یافته است، قطعه‌ای که می‌آوریم نمونه‌ای از فخریات عصامی اوست (ثعالبی، ۱۹۸۳، ج ۳۵۲: ۴)

أَنَا الْعَبْدُ تَرْفَعُنِي نَسْبِي  
وَ عَمِّي شَمْسُ الْعَلِيِّ هَاشِمِ  
إِلَى عِبْدِ شَمْسٍ قِيَعِ الزَّمَانِ  
وَ خَالِي مِنْ رَهْطِ عَبْدِ الْمَدَانِ

(بستی، ۱۲۹۴: ۱۱۸)

ترجمه ابیات:

من همان بنده‌ای هستم که نسبم مرا بالا می‌برد به سوی عبدالشمس که بهترین فرد روزگار است و عمویم خورشید بزرگی هاشم و دایی‌ام از گروه و طایفه عبدالمدان است.

## شاعر غزل

تغزل و غزل‌سرایی از همان دوران جاهلی محبوب و مورد علاقه شاعران بوده و بستی نیز از این دایره بیرون نیست و می‌توان گفت بیشتر اشعار بستی پیرامون تغزل و پند و اندرز می‌باشد که گوشه‌ای از غزل‌های او مورد بررسی قرار می‌گیرد. اشعار بستی در قالب دو بیتی و قطعه‌هایی است که تعداد آن از ۱۰ بیت تجاوز نمی‌کند. او شعر خود را با شیوه‌ای خاص و با معانی لطیف عاشقانه و با الفاظی روان بیان می‌کند و می‌توان به جرأت گفت که در برخی از غزل‌ها، غزل وی با بهترین غزل‌سرایان نامی برابری می‌کند. آنجا که سروده:

من وجهه یطلع نجم المشتري  
یا قوته یثمر شهداً فاشتر  
یا من نضا بالخط سیف الأشر  
إذا وجدت الحر عبداً فاشتر

(بستی، ۱۲۹۴:۳۳)

ترجمه ابیات:

او کسی است که چهره‌اش همچون ستاره مشتری می‌درخشد و یاقوتش شهدی به بار می‌آورد پس تو آنرا خریدار باش.

- ای کسی که با طرفه‌العینی، شمشیر مالک اشتر را از غلاف بیرون می‌کشی، هرگاه آزاده‌ای را برده دیدی پس آنرا خریداری کن (آزاد کن)

به درستی که بستی آن‌چنان در تغزل به تشبیهات دقیق و رقیق دست یا زیده که می‌توان گفت کمتر شاعری از عهده‌ی چنین تشبیهاتی برآمده، آنجا که می‌گوید:

إنّ الذی مرّبنا مسرعاً  
فی یده غصنّ من الآس  
لا تنس عهدی فی الهوی قالیاً  
فلست بالقالی ولا الناسی  
قد ذبت من حبک حتی لقد  
خشیت أن آخفی علی الناس

(مرسی، ۱۹۸۰:۲۶۹)